

«زن» در ادبیات معاصر فارسی بر خلاف ادبیات کهن جلوه‌ای خاص یافته است، موضوع زن به گونه مساله مهم اجتماعی - سیاسی مورد توجه قرار گرفته است. زن که از نظر شاعران و نویسندگان گذشته ما تنها یک وسیله خوش آمد مرد بود و همه جا از او بعنوان دلبری عیار و افسونکار که با چشمانش دل میریاید و فتنه برمی‌انگیزد یاد شده، در آثار شاعران و نویسندگان معاصر انسانی موثر و سازنده مطرح شده است.

تغییر یک چنین نگرشی را باید پس از انقلاب مشروطیت و همای دیگر تحولات جامعه جستجو کرد. انتشار مجلات گوناگون و گسترش اندیشه‌های نو و پیشرو نیز، عامل مهمی در ایجاد این طرز تفکر درست و انسانی شد.

از سوی دیگر شاعرانی چون ملک الشعرای بهار، علی اکبر دهخدا، سید اشرف گیلانی، میرزاده عشقی، ابوالقاسم لاهوتی، فرخی یزدی و دیگران در طول انقلاب و سالهای پس از آن در پیشبرد شعر فارسی و رشد افکار مردم نقشی مهم داشته‌اند. در آثار این شاعران جدا از مسائل اجتماعی که مطرح میشد مساله آزادی زن نیز انعکاس مییافت.

در بعضی از مجلات و روزنامه‌ها مثل مجله «نسیم شمال» که بهمت «اشرف الدین گیلانی» انتشار مییافت، مقالات

و اشعاری درباره حقوق و آزادی زن چاپ میشد.

تمامی هیئت تحریریه مجله «دانش» را که در سال ۱۹۱۰ منتشر شد زنان اداره میکردند. مجله‌هایی نظیر: «زبان زنان» چاپ اصفهان و «نامه بانوان ایران» و مجله «عالم نسوان» همگی در گسترش اندیشه‌های نو و در راستای آزاد فکری و آزادیخواهی زنان بود. این مجله‌ها از طرف بانوان منتشر میشد و هدف اساسی آنها روشن کردن زنها و نجات آنها از جهالت و خرافات بود.

اندیشمندان پیشرو ایرانی تنها به نشر مجله‌ها و روزنامه‌ها اکتفا نکردند و دست به تشکیلاتی برای بانوان زدند. در سال ۱۹۱۰ به همت سلیمان محسن اسکندر (سلیمان میرزا) در تهران مکتب «ناموس» و تشکیلاتی با این عنوان را برای بانوان برپا داشت. در سال ۱۹۲۱ جمعیت «بیداری زنان ایران» در تهران و در سال ۱۹۲۲ «جمعیت آزادی نسوان» با کوشش «آزاد مراغه‌ای» تشکیل شد.

هدف اصلی با سواد کردن زنها، آگاهی آنها و سهیم کردن زنها در فعالیت‌های اجتماعی بود. شاعران مترقی ایران در طول این جریانها به خلق آثار ارزنده‌ای در زمینه مساله زن دست زدند.

ایرج میرزا، میرزاده عشقی پروین اعتصامی ملک الشعرای بهار و دیگران عقب افتادگی زنها را در بی‌سوادی و بی‌چادری میدیدند و ریشه‌های اجتماعی



ایرج میرزا و ملک الشعرای بهار از اولین کسانی بودند که درباره آزادی زن شعر سرودند.

این نابرابری را می‌شکافتند. «کفن سیاه» از عشقی و «چادر شب» از «ایرج میرزا» را میتوان بعنوان مثال آورد.

ایرج میرزا میگوید: **خدایا تا به کی مردان به خوانند**

زنان تا کی گرفتار حجابند؟ چرا در پرده باید طلعت یار خدایا زین معما پرده بردار

مگر زن در میان ما بشر نیست مگر زن در تمیز خیر و شر نیست

پروین اعتصامی «زندگی فاجعه‌آمیز زنان ایرانی را با مهارت تصویر کرده و با درد و غم سوزناکی اضطراب و عذابهای

رن بیچاره و مفلوک مشرق زمین را بیان داشته است. «پروین» در شعر خود بنام «شکایت زن»

با مهارت خاص خود فاجعه یکی زنی را که عمر و جوانی او را در پشم ریزی گذاشته می‌نور چشمانش را نیز از دست داده تصویر میکند.

شاعران دیگری مانند «محمد حسن شهریار»، سایه، نادر نادرپور، سیمین بهبهانی

فروغ فرخزاد، ژاله و دیگران دهها شعر پر مضمون که انعکاس زندگی مردم است خلق کرده‌اند. فروغ فرخزاد شاعره با استعداد که در اوج شکوفائی

خود از میان رفت در اشعارش بی‌عدالتی‌ها و نابرابریهای اجتماعی را سبب بی‌حقوقی زن

میداند. نامهایی که او به آثارش داده نظیر: «اسیر»، «عصیان»، «دیوار»، بی‌جهت و تصادفی

نیست. او در شعر «اسیر» خود میگوید:

در این فکرم من ودانم که هرگز مرا یاری رفتن زین قفس نیست

اگر هر مرد زندانبان بخواهد اگر از بهر پروازم نفس نیست.

«سیمین بهبهانی» که از حیات انده‌بار زن ایرانی تصاویر

رحمانگی داده است، در شعر «زن در زندان اشراف» زیبایی زندگی را در آزادی، کار، عشق حقیقی و زندگی شرافتمندانه می‌بیند:

تو ای زن، ای زن جوینده راه چراغی هم به راه من فراگیر نیم بیگانه من هم دردمندم دمی هم دست لوزان مرا گیر.

از میان اشعاری که بهبهانی در آن از زندگی زنها سخن میگوید میتوان «رقاصه»، «نغمه‌های روسی»، «من با توام»، «ای زن» را نام برد.

یکی دیگر از شاعرهایی که از خواستها و مبارزات مردم ایران سخن گفته، ژاله خانم است.

مضامین اجتماعی سرشاری در شعرهای این بانو هست که از آن میان میتوان اشعار «وطن»، «آزادی»، «به مادرم»، «مادران صلح میخواهند» را نام برد.

«ژاله» آزادی حقیقی زنها را در لغو امتیازات نا برابر و بی‌عدالتیهای اجتماعی می‌بیند میگوید:

ما جبهه پایدار صلحیم سازیم جهان ز صلح آباد کوشیم که کودکان دنیا

خوشبخت شوند و شاد و آزاد. از شاعره‌های جوانی که امروز دنباله‌رو راه آنها هستند

و کوشش کرده‌اند تا تصویر تازه‌ای از زن ایرانی در اشعار خود بدست دهند میتوانیم از

طاهره صفارزاده، مینا اسدی، بتول عزیزی پور، لیلا کسری، صفورا نیری و طاهره باره‌ای نام

ببریم.

«با استفاده از کتاب مسایل ادبیات نوین ایران»